جام جم

شنبه
۸ مرداد ۱۴۰۱
۱ محرم ۱۴۴۴
سال بیست و سوم
۶۲۷۲
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
Saturday - July - 30 - 2022
قیمت در استان تهران و البرز ۴۰۰۰ تومان
و دیگر استان‌های کشور ۳۵۰۰ تومان

www.jamejamdaily.ir

بازخوانی یک گفت‌وگو با حبیب‌ا... صادقی

«هنر انقلاب» سفارش از درون است

۸

سیل پایان هفته بیش‌از ۵۰ کشته و مفقود برجای گذاشت

خروش سیلاب موج امداد

▪ از آن جا که سازمان هواشناسی به سازمان های مختلف هشدار وقوع سیل را داده بود، انتظار می‌رفت این هشدارها جدی‌تر گرفته شود

۱۴

طرح: محمود خستو

سیاست

هیات دولت در پایتخت تاریخ ایران

برنامه جدی دولت برای تامین مسکن

۲

سیاست

گزارشی از برنامه رئیس قوه قضاییه در سفر استانی به بوشهر

صیانت از بیت‌المال در گمرک

۲

ویژه

اپرای عاشورا با ساختاری متفاوت در تالار وحدت اجرا می‌شود

یک آیین قدسی روی صحنه نمایش

۱۱

خشکاندن ریشه ورزش

شهریه بسیاری از باشگاه‌های ورزشی خودسرانه زیاد شد

۴

رژه روی روان کاربران

اینستاگرام بدترین شبکه اجتماعی از لحاظ تاثیرات منفی روی سلامت جوانان است

۱۶

گفت‌وگو با «جلیل رسولی»:

خوشنویس خودش را می‌نویسد و قاب می‌گیرد

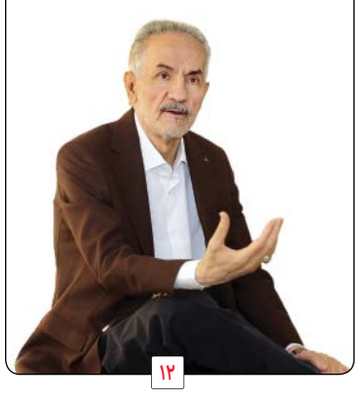

۱۲

یادداشت

طرح شوم آمریکایی و هوشیاری ایرانی

اصغر زبرجدی
نویسنده و تحلیلگر

در مذاکرات هسته‌ای موسوم به برجام، خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران شفاف و روشن است. اصلی‌ترین خواسته‌های منطقی، نخست بهره‌مندی اقتصادی از برجام و دوم اخذ تضمین‌های اطمینان‌بخش از عمل به تعهدات است. طرف آمریکایی نیز دقیق می‌داند ایران چه می‌خواهد ولی دست دست کردن آمریکایی‌ها بی دلیل نیست. واقعیت آن است که آمریکا نمی‌خواهد مذاکرات به نتیجه برسد و تاکتیک آنها در این مرحله فرسایشی کردن مذاکرات و در نتیجه شکست مذاکرات و مقصر جلوه دادن ایران است و اگر به توافقی دست یابند کاملا موقت و تاکتیکی خواهد بود و هیچ تضمینی به تداوم آن وجود ندارد. آنان به خوبی انزوا و موقعیت ضعف آمریکای دوران ترامپ را پس از خروج برجام در مذاکرات لمس کردند و هم اکنون در تلاشند وضعیت مذاکرات را از جایگاه مجرم به شاکی تغییر دهند. سؤال این است آنها چه نقشه‌ای در سر دارند؟ پاسخ ساده این که آمریکا به‌دنبال اجرای طرح کلان خلع سلاح ایران در قالب رژیم کنترل تسلیحات جامع است. آنها معتقدند باید موضوع ایران را در یک بسته جامع حل کنند.

در دوران اوباما و در آغاز مذاکرات هسته‌ای، آمریکایی‌ها برای نتیجه گرفتن در برابر ایران و شکستن تابوی مذاکره با ایران، راهبرد بررسی به صورت بسته را مطرح کردند. بسته اول: موضوعات هسته ای. بسته دوم: موضوعات منطقه‌ای و بسته سوم: موضوعات موشکی. در صورت حل بسته اول، سراغ بسته دوم و سوم می‌روند. در ایران برخی‌ها نام این مدل را برجام یک و دو و سه نامیده‌اند که با تذکر جدی رهبر معظم انقلاب پیگیری نشد.

با روی کار آمدن ترامپ، وی اعلام کرد قرار بود همه مسائل ایران حل شود و به رغم توافق هسته‌ای، ایران هنوز در منطقه مؤثر است و پیشرفت‌های موشکی آن متوقف نشده ، لذا معترض بود که برجام نه‌فقط ایران را کنترل ومحدود نکرد بلکه آن را قوی‌تر کرده است.

در دوره جدید، دموکرات‌ها به دنبال حل انتقاد جمهوریخواهان از برجام هستند و می‌خواهند تمام مسائل مرتبط با ایران را در قالب یک بسته حل کنند؛ کاری که ترامپ با راهبرد فشار حداکثری موفق به انجام آن نشد ولی دموکرات‌ها، فریبکارانه و موذیانه راهبرد تحمیل رژیم سازی خلع سلاحی و کنترل تسلیحات را در ذهن دارند. حمله موشکی ایران به عین‌الاسد، محافل راهبردی آمریکا را برای محدود کردن توان دفاعی ایران مصمم کرده است. آنها خوب می‌دانند جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال ساخت بمب اتمی نیست و از این رو با خیال راحت به دنبال آن هستند که ابتدا هزینه شکست گفت‌وگو را از شانه‌های خود برداشته و آن را به دوش ایران بیندازند تا ضمن فعال کردن مکانیسم‌های کنترلی برجام، زمینه را بر طرح کلان خود فراهم کنند. دوم به جهان اعلام کنند ما می‌خواستیم به برجام برگردیم ولی ایران نخواست و سوم بهانه داشته باشند تا همزمان به تحریم و فشار خود ادامه دهند. این روش دموکرات‌ها را اروپایی‌ها بیشتر می‌پسندند، چون یک مانع امنیتی به نام ایران را در محیط پیرامونی کنترل می‌کنند و دوم به وجه نرم آنها آسیب کمتری می‌زند. شخص مشاور امنیت ملی آمریکا خبر فروش پهپادی ایران را به روسیه اعلام و رسانه‌ای می‌کند. اظهار نظر در این سطح بالا عامل مهمی است که نشان دهنده تشکیل شدن پرونده امنیتی توانمندی ایران در بالاترین نهاد امنیتی آمریکاست که به معنی کلید خوردن رسمی عملیات اعمال نظام جامع خلع‌سلاح ایران در منطقه است. همزمان با تحریم‌های پیشین برنامه‌های موشکی ایران، صنعت پهپادی ایران را تحریم و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا برخلاف موضع‌گیری‌های قبلی، پرتاب‌های تحقیقاتی فضایی ایران را به‌عنوان نقض برجام اعلام و زمینه‌سازی رسانه‌ای می‌کند. در سفر منطقه‌ای بایدن تلاش می‌شود ایران همچنان یک کشور امنیتی، استثنایی و غیر عادی در نظام بین‌الملل مطرح شود. آنچه در این شرایط اهمیت دارد، افزایش هوشیاری در مذاکرات هسته‌ای و طرح ریزی برای خنثی‌سازی طرح شوم آمریکایی است و لازمه همه آنها تقویت نقاط قوت کشورمان همانند توان موشکی، پهپادی و اضافه کردن ابعاد جدید به مؤلفه‌های دفاعی و بازدارندگی همانند توان سایبری و هوش‌مصنوعی و توان دفاع زیستی و راهبرد متنوع‌سازی و ترکیبی الگوهای دفاعی نوین است. نباید فراموش کنیم هر نوع عقب نشینی، پیشروی دشمن را به‌همراه خواهد داشت و تاریخ نشان داده، پایمردی همیشه جواب داده است.

دیدگاه

ستاره‌ای همیشه درخشنده

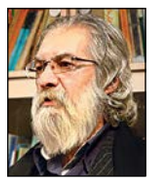

سینا واحد
نویسنده

دعوت به «غیب» و «مفاهیم غیبی» و جاودانگی و پرواز در جهان ملکوت و فراتر رفتن از زندگی مادی، حقیقتی بود که هیچ هنرمند نقاشی نمی‌خواست با آن تماس برقرار کند و با قدرت «خط» و «رنگ» درباره آن حرف بزند. تشعشع پرنفوذ و پرفریب تمدن مادی در پایان قرن بیستم، آنچنان قدرتمند و پردامنه شده بود که به هیچ هنرمندی اجازه نمی‌داد به سهولت و بدون موانع درباره «ارزش‌های آسمانی» حرف بزند، طراحی کند و سپس تولید و آفرینشگری‌های هنرمندانه را به نمایشگاه‌های هنری ببرد. در بازار گسترده هنر، «معنا» و «جاودانگی» و «پرواز» خریدار نداشت و البته تقدیرکننده و حمایتگر اجتماعی و رسانه‌ای هم نداشت. در این بازار، هنر و نقاشی می‌کوشید زندگی طبقه مرفه و پولدار را از خشونت‌های گسترده و فراوان، پاک جلوه دهد و «ناپاکی» را پشت رنگ‌ها و تابلوهای به نمایش درآمده پنهان کند تا چرخه حیات و تنفس انسان‌ها، شیرین‌تر و شیرین‌تر... شود و خشونت «فرساینده تمدن بی‌خدا و بی‌آسمان»، از جلوی چشم کنار رود.

با این همه، «انقلاب خدایی» که در ایران رخ داد، توانست سیطره ارزش‌های جهانی تمدن علمی و مادی غربیان را در اعماق تفکر و ذهنیت هنری برخی هنرمندان جوان ایرانی بشکند و امکان سخنی نو و طرحی و اندیشه‌ای جدید را در دنیای بازی با «رنگ‌ها» فراهم آورد.

به لحاظ نگاه تاریخی در نیمه اول دهه ۶۰، اتفاقات بزرگی که در جامعه ایرانی رخ می‌دهد، اتفاقات و حوادثی با شخصیت کامل و برجسته جهانی است. «ترور رئیس جمهور ایران»، یک حادثه جهانی است. البته ترور «شهید بهشتی» و همراهان نیز یک حادثه دیگر جهانی....

تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان جوان و تغییر نام آن به «لانه جاسوسی»، یک حادثه بزرگ قرن بیستمی به‌حساب می‌آید. در چنین شرایط روحی و روانی و پرکشاکش ذهنیت‌های جوان جامعه ایران انقلابی است که «هنر نقاشی» ایران جدید پا به میدان کارزار می‌گذارد و با «احترام» و «تعظیم» ارزش‌های دینی و با تقدیس و تکریم «خون شهید» و «پرواز روح...» هنر نقاشی جامعه انقلابی متولد می‌شود. «حبیب‌ا... صادقی»، یکی از چهره‌ها و ستاره‌های درخشنده جوانی بود که در این فرآیند پرتلاش و کوشش، تولد مکتب جدید، نقشی شجاعانه و مومنانه ایفا کرد و هیچ‌گاه از شخصیت بخشیدن به «هنر نقاشی» با تاریخ و با میراث و با «هویت و ایمان» دور نشد.

«حبیب‌ا... صادقی» از همان روزهای پرحادثه تاریخ بعد از انقلاب با نقاشی‌هایش نشان داد که ستاره‌ای درخشنده در تاریخ پرتلاطم هنر ایران زمین است.

نگاه

چرا باید سهروردی خواند؟

آرش شفاعی
دبیر گروه فرهنگ و هنر

امروز را در تقویم رسمی کشور به نام شیخ‌شهاب‌الدین سهروردی و بزرگداشت این فیلسوف بزرگ قرن ششم هجری نامگذاری کرده‌اند. بی‌تعارف احتمالا بسیاری از ما از سهروردی تنها چیزی که به‌خاطر می‌آوریم، نام خیابانی است در تهران و نه بیشتر. البته خیلی‌هایمان هم در برابر این سؤال که چرا ما هیچ چیزی از سهروردی نمی‌دانیم، با قیافه حق به‌جانب می‌گوییم آخر دانستن این‌که یک فیلسوف در حدود هزار سال قبل چه چیزی گفته یا نگفته چه دردی از ما دوا می‌کند؟ در برابر این پرسش دو پاسخ می‌شود داد یکی این‌که بگوییم بله نظرات فیلسوفی در قرن ششم هجری برای شما در قرن پانزدهم هجری؛ نه نان می‌شود و نه آب اما خیلی چیزهای دیگر هم هست که احتمالا من و شما حاضریم برایشان وقت و انرژی بگذاریم اما در نهایت آنها هم آب و نان نمی‌شود. ضمن این‌که اصلا مگر همه چیز باید نان و آب بشود که ارزش وقت گذاشتن، فهمیدن و دنبال کردن داشته باشد؟ آیا این‌که بدانیم که بوده‌ایم و چه فکر می‌کرده‌ایم، بدانیم ایرانی بودن چه معنایی دارد و فکر و ذهن ما به‌عنوان ساکنان این سرزمین چگونه شکل گرفته است، ارزش وقت گذاشتن دارد یا نه؟ آیا این‌که از بنیادهای تاریخ، تفکر و زندگی اجتماعی خود چیزی ندانیم باعث نخواهد شد دچار نوعی خودباختگی، رکود و بی‌رغبتی به آینده بشویم و به‌راحتی در برابر هر تندبادی، قد خم کنیم؟

حالا اصلا این حرف‌ها چه ربطی به سهروردی دارد؟ ربطش این است که بدون فهمیدن و خواندن سهروردی، درک و آگاهی ما از مفهومی به نام انسان ایرانی ناقص است. شاید فکر کنید اغراق می‌کنم ولی بگذارید برای این‌که تعجب‌تان کامل شود بگویم سهروردی تنها سی و سه چهار سال در این دنیا زندگی کرده است اما او توانست در این دوران کوتاه در زندگی‌اش نظام اندیشه‌ای منسجمی برای تفکر ایرانی طرح‌ریزی و نظریه‌بندی کند که همه جنبه‌های پیچیده هویت، اندیشه و علایق مردم این سرزمین را در خود جمع کرده بود. او تناقضات مهمی را که ایرانیان را دچار مشکل کرده بود و همیشه به شکلی آنان را به‌دنبال خود می‌کشید، حل کرد و به‌خصوص دو تناقض مهم در دستگاه فکری سهروردی حل شد، تناقض‌هایی که هم سویه‌ای هویتی و تاریخی داشتند و هم سویه‌ای فکری و حسی. سهروردی سی و چند ساله، قبل از این‌که به تیغ کینه عاملان خلیفه گرفتار و کشته شود، تضاد میان پیش و پس از اسلام و تضاد میان عشق و عقل (بخوانید فلسفه و عرفان!) را در درون و وجود ما ایرانیان به شکلی منسجم از میان برد و حکمت خسروانی او و نظام فکری فلسفی‌اش که به نام «اشراق» خوانده می‌شود، همزمان هم بر بنیاد آموزه‌های اسلامی استوار است، هم ستون‌هایی از تفکر، نشانه‌ها و اندیشه‌های ایران زرتشتی را با خود دارد و با این‌که همچنان که فلسفی است، عرفانی هم هست و البته به خانقاه بازی و کلاهبرداری‌های شبه‌عرفانی هم در نمی‌غلتد. راستش را بخواهید حرف زدن درباره یک فیلسوف بزرگ مثل سهروردی جرأت و دانش زیادی می‌خواهد و من هم نمی‌خواهم در این باره زیاد کم‌دانشی خود را آشکار کنم ولی خواستم در پاسخ به کسانی که نمی‌دانند چرا باید سهروردی خواند؛ بگویم، خیلی‌ها معتقدند کاری که فردوسی برای زبان ما ایرانیان کرد، سهروردی برای اندیشه و تفکرمان کرد و ارزش کار این مرد بزرگ برای ایران و ایرانی به اندازه کاری است که فردوسی برای زبان و تاریخ ما کرده است. پس واقعا قبول دارید که بدون خواندن سهروردی و درک حرف‌هایش، ادراک ما از مفهومی به نام انسان ایرانی چقدر ناقص است؟

روزنما

نجات اهل عالم با حسین(ع) است

به تو رشک می‌برم ای محتشم! ای شاعر سینه سوخته اهل بیت(ع) که چگونه با نگاه هنرمندانه‌ات و با احساس شاعرانه‌ات، توانستی واقعیتی را بیان کنی که هرسال این روزها در جان جهان می‌بینیم. آتشی را دیدی که سینه‌های عاشقان را می‌سوزاند و صدای ناله‌هایی را شنیدی که در سینه‌های اهل عالم غلیان می‌کند. تو غلغله‌ای را دیدی که نه تنها در خاک، که در لاهوت و ملکوت برپا شده است. دیدی که سرهای قدسیان بر زانوی غم است و از رستخیز عامی گفتی که نامش محرم است. این شورش که در اهل عالم افتاده است تنها به قلم و بیان تو تجسم پیدا کرده و بیهوده نیست ما قرن‌هاست با صدای تو بغض می‌کنیم، اشک می‌ریزیم و آه می‌کشیم. امروز اول محرم است، اول روزهای آه و آتش، روزهای داغ و جامه دیگر کردن. جامه سیاه بر تن می‌کنیم و سوگوار پدر و معلمان می‌شویم. مگر نه این‌که ائمه(ع) پدران این امتند و ما این روزها در ماتم پدر امتیم و سیاهپوش معلم بزرگمان و این ماکه می‌گویم، نه فقط ما ایرانیان یا شیعیان بلکه منظورم هر آزاده‌ای در جهان است که صدای سید و سالار ما را شنید که فرمود: مرگ با عزت بهتر است از زندگی با عزت. امروز اول محرم است، روزاول عاشقی.

روی خط کرونا

تاخت ابتلای کرونا در ایران

کرونا همچنان می‌تازد، با این تفاوت که در پیک هفتم که هنوز به قله آن هم نرسیده‌ایم، هر فرد بیمار به طور متوسط حدود ۱۸ نفر را می‌تواند مبتلا کند.
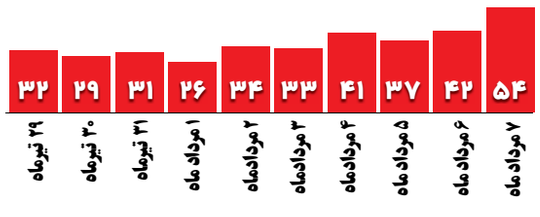
میزان فوتی های کرونایی در ۱۰ روز گذشته